

۱۰ دلیل مهم که چرا شما به موفقیت نمی‌رسید

در حالی که موفقیت نسبی و وابسته به تفکر هر آدم است...



در کتاب "بهترین فروشنده‌ی دنیا" اثر ۱. جی مندینو به واقعیت خیلی مهمی اشاره شده بود که می‌گفت: "از میان هزار شخص دانا، ۲ نفر موفقیت را با کلامی مشابه تعریف خواهند کرد، اما شکست همیشه به یک طریق توصیف می‌شود. شکست ناتوانی بشر در تحقق اهدافش در زندگی، هر هدفی، است."

به گزارش سلامت نیوز به نقل از بازده، در حالی که موفقیت نسبی و وابسته به تفکر هر آدم است، و ارزش مادی و غیرمادی دارد، شکست دستورالعملی "یکسان برای همه" دارد. در ادامه ۱۰ نکته آمده است که بدانید چرا گاهی اوقات هرچقدر هم تلاش میکنید باز از هدف ناکام می‌مانید.

۱. ارزش زمان را نمی‌فهمید.

"هر کارآفرین موفق می‌داند زمان از خود پول ارزشمندتر است." - ریچارد برنسون

آدم‌های ناموفق برای وقت‌شان ارزش قائل نیستند. آنها همیشه همه‌جا هستند چون قادر نیستند وقت‌شان را به اهداف‌شان اختصاص دهند. و سال به سال قول و قرارهای جدید می‌گذارند که هرگز به بار نمی‌نشیند، فقط به این دلیل که به خودشان زحمت نمی‌دهند برای اهداف‌شان وقتی لازم را بگذارند. مهارت‌های مدیریت زمان، یادگیری نه گفتن، و دانستن این‌که به چه تعهداتی باید پایبند باشید، گامی به سوی موفقیت بزرگ در هر حوزه‌ای از زندگی است.

۲. کارهایی هم‌سو با اهداف‌تان انجام نمی‌دهید.

"وقتی بدانید ارزش‌های‌تان کدام هستند، تصمیم‌گیری سخت نیست." - روی دیزنی

هرچه هدف مهم‌تر باشد در سلسله مراتب ارزش‌های‌تان بالاتر خواهد بود و نظم و ترتیب بیش‌تری در آن به کار خواهید برد. هرچه هدف بی‌اهمیت‌تر باشد در سلسله مراتب ارزش‌های‌تان پایین‌تر خواهد بود و نظم کم‌تر و بی‌نظمی به کار خواهید برد. آدم‌های ناموفق شلوغی و آشفتگی را با بهره‌وری اشتباه گرفته‌اند. آنها در هر کاری دستی دارند اما هیچ‌کدام از این کارها با ارزش‌ها و اهداف‌شان هم‌سو نیست. اهداف‌تان را دفتر یادداشت‌های روزانه‌تان بنویسید و استراتژی‌هایی را به کار بگیرید که شما را به آنها نزدیک کند، این کار به شما کمک می‌کند چیزهایی را که با مقصودتان هم‌خوانی ندارند شناسایی کنید.

۳. مسئولیت‌پذیر نیستید

"به نظر می‌رسد آدم‌ها فکر می‌کنند موفقیت در یک زمینه شکست را در سایر زمینه‌ها جبران می‌کند، اما آیا واقعا این‌طور است؟ اثربخشی حقیقی مستلزم توازن است." - استفان کاوی

اگر رئیس‌تان بد است و واقعا از شغل‌تان متنفر هستید این دلیل نمی‌شود که سست شوید و در کارتان ضعیف عمل کنید. شما برای این کار پول دریافت می‌کنید پس درست انجامش بدهید، این قانون کلی زندگی است که همان‌قدر به دست می‌آورید که

مایه گذاشته‌اید. این عین پختگی و دانایی است که تحت هر شرایطی به دنبال ممتازی باشید. آدم‌های ناموفق کسانی هستند که با نمره‌های بد مشکلی ندارند و برای یافتن روش مطالعه‌ی موثر که به یادگیری‌شان کمک کند، به خودشان زحمت نمی‌دهند، چون به هر حال برتری کمتر به هوش و بیش‌تر به برنامه‌ریزی خوب و آمادگی بستگی دارد و این باعث می‌شود احساس کنید باهوش‌تر هستید و این احساس به نوبه‌ی خود نتایج فوق‌العاده‌ای به بار می‌دهد.

۴. محدودیت‌های خودساخته دارید

“شما چیزی هستید که باور دارید”- اپرا وینفری

آدم‌های ناموفق تمایل دارند جمله‌هایی را مثل “من در به خاطر سپردن شماره‌ها خوب نیستم”، “واقعا از درس خواندن متنفرم”، و “واقعا فکر نمی‌کنم بتوانم کسب‌وکاری راه بیندازم” بگویند. آنها خودشان را محدود می‌کنند و رفتارشان را توجیه می‌کنند اما این واقعا فقط راهی است که اهداف‌شان را به قدری پایین انتخاب کنند که هیچ خطایی در آن نباشد و در نتیجه موفقیت کوچک‌تری به دست بیاورند. از شر این تفکر خلاص شوید که فقط یک سری مهارت و استعداد مشخص برای وظایف مشخصی دارید، این تفکر را رها کنید که به اندازه‌ی آدمی دیگر باهوش نیستید. آن‌چه زندگی از شما می‌خواهد این است که بهترین خودتان باشید، به خاطر خودتان و به خاطر دیگران.

۵. در بهانه‌تراشی خوب هستید

“اگر نمی‌توانید درستش کنید، حداقل کاری کنید که درست به نظر برسد”- بیل گیتس

آدم‌هایی هستند که برای نمی‌توانم‌ها و نبایدها دلیل و منطق پیدا می‌کنند. آنها گاهی این گرایش نفرت‌انگیز را با “واقع‌گرایی” اشتباه می‌گیرند. آنها فاقد قدرت تصور هستند و برای توجیه این‌که چرا گاهی بعضی چیزها نباید باشند همیشه راهی پیدا می‌کنند اما هیچ‌وقت واقعا تلاش نمی‌کنند. بهترین چاره این است که هر وقت ذهن‌تان شروع به بهانه‌تراشی کرد آن را متوقف کنید و موتوری را که آن را آغاز کرده‌است از اول روشن کنید.

۶. آداب معاشرت نمی‌دانید

“شما نمی‌توانید براساس رفتار یک فرد با کسانی که هیچ‌کاری برایش نمی‌کنند شخصیت او را قضاوت کنید.”- یوهان ولفگانگ فون گوته

آدم‌های ناموفق معمولا هوش اجتماعی ندارند. آنها جمله‌هایی را مانند “خوب حداقل من روراست هستم” یا “من همین هستم، با من کنار بیا” می‌گویند. آنها نمی‌دانند با آدم‌های دیگر چه‌طور رفتار کنند و بیشتر اوقات دوست دارند بدون هیچ دلیل واضحی متکبر باشند. هیچ‌کس آدم‌های پرادعا، خودنما، فخر فروش فروتن‌نما را، یا آن‌که نمی‌دانند تعریف و تمجید دیگران را چه‌طور پاسخ گوید، چه‌طور تشکر کند، دوست ندارد.؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ این ویژگی‌ها ناخوشایند هستند و به دور از آداب معاشرت هستند. آسان است که با آدم‌هایی که دوست‌شان دارید خوب و مودب باشید، اگر با آدم‌هایی که نمی‌توانید تحمل‌شان کنید یا آنها که دائما با شما مخالفت می‌کنند، خوب و مودب باشید، این نشانه‌ی شخصیت است. این‌که بدانید با آدم‌ها چه‌طور صحبت کنید مهارتی است که فقط عده‌ی کمی از آن برخوردارند. می‌گویند بهترین راه برای محک زدن شخصیت یک فرد این است که وقتی پس از انتظار در یک صف طولانی با خدمت‌رسانی بدی مواجه می‌شود رفتار او را زیر نظر بگیریم، یا دقت کنیم چراغ‌های کریسمس را چه‌طور مرتب می‌کند، و هنگامی که چیزهای گران‌قیمت‌اش را خراب می‌کنید چه واکنشی نشان می‌دهد.

۷. کارها را به تعویق می‌اندازید

“کارهایی را که با تمام وجود دوست داری انجام ندهی فقط تا فردا عقب بینداز”- پابلو پیکاسو

نکته‌ی بامزه درباره‌ی این یکی این است که بیشتر این آدم‌ها خودشان اعلام می‌کنند که کارها را به تاخیر می‌اندازند. هیچ ایرادی در آن نمی‌بینند. این برمی‌گردد به این‌که آنها هرگز ارزش زمان را نمی‌فهمند. با زندگی که تا دیروز جلو آمده مشکلی ندارند. طوری زندگی می‌کنند که انگار یک زندگی دیگر در بانک دارند. بگذار ببینیم راند اول چه می‌شود بعد فکر دیگری می‌کنیم. یا فیلم بعدی را می‌بینیم یا از اول نگاه می‌کنیم، یا صبر می‌کنیم. دریابید که مرگ شما از لحظه‌ای که به دنیا می‌آیید آغاز می‌شود

و بدانید هر روز یک هدیه است و به خودتان مدیون هستید که در این ۲۴ ساعت هرکاری که می‌توانید بکنید چون هرگز امروز فردا را تضمین نمی‌کند.

۸. کاری نمی‌کنید

“امروز کاری بکنید، خود آینده‌تان برای آن از خودتان تشکر خواهید کرد”- لس بروان

شاید علت این که ژرفای اثر این قاعده‌ی زندگی را نادیده می‌گیرند سادگی آن باشد. آدم‌های ناموفق به فکر فرو می‌روند و ردپای‌شان در شن‌های زمان باقی می‌ماند. آنها خوب صحبت می‌کنند و رویاهای بزرگی دارند اما شهادت ندارند قدمی بردارند. رویاپردازی را درمورد این‌که چه خواهد شد کنار بگذارید. رویاپردازی به خودی خود بد نیست، اما بلند شوید، خودی نشان بدهید و کاری بکنید. دیدارهای کافی‌شاپی را رها کنید و بروید کاری بکنید.

۹. نمی‌توانید با دشواری‌ها روبه‌رو شوید

“تابش پیوسته‌ی خورشید و نباریدن باران صحرا را می‌سازد”- ضرب‌المثل عربی

پسر چوپانی بود، که جنگ‌آور نبود و ریزاندام بود. به غولی نگاه کرد و گفت: “من تو را زمین می‌زنم و سرت را جدا می‌کنم” و دقیقاً همین کار را کرد. نکته‌ی همه‌ی چالش‌ها این است که فقط به اندازه‌ای بزرگ هستند که ما تصور می‌کنیم و به اندازه‌ای قوی هستند که ضعف ما به آنها اجازه می‌دهد. آدم‌های ناموفق این را درک نکرده‌اند و خیلی زود جا می‌زنند چون اوضاع وخیم می‌شود، و کارها کمی سخت می‌شود. آنها گل‌ها را بدون خار می‌خواهند، و معشوق را بدون رنج؛ بدون تحمل توفان، در انتهای رنگین‌کمان چشمه‌ی نور را می‌خواهند. غلبه بر چالش‌ها نه تنها ما را به اهدافمان نزدیک‌تر می‌کند، بلکه ما را تبدیل به آدمی می‌کند که هیچ‌وقت تصور نمی‌کردیم وجود داشته‌باشد. بدون هراس بر ترس‌های‌تان غلبه کنید و وارد قلمروی دیگری شوید. از منطقه‌ی امن‌تان پا بیرون بگذارید و خودتان را به چالش بکشید. درمیان دشواری‌ها شهادت زاده می‌شود. اگر مجبور نمی‌شدید مبارزه کنید هرگز نمی‌فهمیدید چه قدر قوی هستید. گاهی ممکن است شکست بخورید ولی به هر حال شکست خوردید و به جالوت ثابت کردید که آن قدرها که فکر می‌کرد غول‌پیکر نبود.

۱۰. بی‌تفاوت هستید

“بنابراین، چون تو ولرم هستی، نه سردی نه داغ، من تو را از دهانم تف می‌کنم”- مکاشفه‌ی یوحنا ۳: ۱۶

بله بعضی‌ها ذاتاً تماشاچی هستند. آنها هیچ‌وقت نظری درباره‌ی هیچ‌چیز ندارند، نمی‌توانند تصمیم بگیرند، و فراتر از یک نادان محض هستند. نمی‌توانند گفت‌وگوهای هوشمندانه‌ای داشته‌باشند و در مقابل چیزی که مستقیماً با دانسته‌های آنها مرتبط نیست جبهه می‌گیرند. آنها فکر می‌کنند همه باید زندگی را آن‌طور ببینند که آنها می‌بینند. درمورد همه‌چیز بی‌تفاوت هستند و پای هیچ‌چیز نمی‌ایستند. مطالعه نمی‌کنند، پس از “آموزش و پرورش رسمی” خودشان را پرورش نمی‌دهند و تلاشی برای نشان دادن خودشان نمی‌کنند. حتی اگر هرگز به حداکثر ظرفیت‌شان دست پیدا نکنند هیچ اشکالی در آن نمی‌بینند چون در دنیایی پر از شگفتی و واقعیت‌های عجیب، توانسته‌اند راهی برای خستگی و یکنواختی بیابند. بی‌تفاوتی قاتل خاموش است. چیزی را پیدا کنید عاشق‌اش هستید، حتی اگر بابت آن پولی دریافت نمی‌کنید. از موهبت‌های‌تان استفاده کنید.

آدم‌هایی که روی دادها را می‌آفرینند آن قدر که ما تصور می‌کنیم خارق‌العاده نیستند. آنها خیلی ساده هستند و بیشتر مواقع در نگاه دوم می‌فهمیم از هیچ لحاظ چندان استثنایی نیستند ولی توانسته‌اند به جایی برسند که هستند و آن موقعیت را حفظ کنند، چون به هنر نظم تسلط دارند و در هر زمانی آدم مناسب آن موقعیت هستند. شاید چیزهایی زیادی باشد که می‌خواهید انجام دهید و گاهی به شدت احساس درماندگی می‌کنید چون زمان کافی ندارید. تلفن همراه را زمین بگذارید، گاهی از شبکه‌های اجتماعی خارج شوید و از سرک کشیدن در کار دیگران دست بردارید تا از ظرفیتی که آزاد می‌کنید شگفت‌زده شوید.

منبع: لایف هک